



محمدرضا مفاذیان

سلام بانوی هم وطن!

این روزها که درآماج نگرانی و توجه عده‌ای قرار گرفته ای، به تو حق می‌دهم. معتقدم علت اصلی پوشش کنونی تو، قانع نشدن ت برای داشتن حجاب است. چرخه در منابع دینی و تاریخی بزن و خودت از میان مقالات و کتب متعدد تاریخی، حقیقت را کشف کن. اگر ملی‌گرا و عاشق وطن هستی، بایک جست‌وجوی ساده به‌هزاران مطلب این چنینی خواهی رسید:

۱. پوشیدگی و عفت زن ایرانی، هزاران سال قبل از ورود اسلام به ایران، مورد توجه بوده است. این پوشش تاجایی اهمیت داشته که حتی نقش زن در آثار باستانی به‌جای مانده از آن دوران، همیشه پوشیده و با تاج و چادر بوده است (ر.ک ضیاپور ۱۳۴۳).

تخت جمشید رفته‌ای ؟ دقت کرده‌ای که حتی تصاویر و سنگ نگاره های زنان تخت جمشید، پوشیده و با حیا هستند؟ این ها ساخته جمهوری اسلامی نیست! قدمتش را کارشناسان جهانی تأیید کرده‌اند،

۲. در دوران باستان، هم در ایران و هم در دیگر کشورهای شرق متدمن، رسم حجاب وجود داشته است. در بین مادها، زنان فقط دودست خود را بازمی‌گذاشتند و نپوشاندن قسمت‌های دیگر بدن، خلاف ادب محسوب می‌شد. آنان برای پوشاندن سر از یک سربند که زیر چانه به‌وسیله دو بست محکم می‌شد، استفاده می‌کردند. روی این سربند نیز یک روسری بزرگ به‌نام «هپتو» می‌پوشیدند. پوشاندن سر طبق آیین باستان، معمول بوده و اکنون نیز در میان زنان زرتشتی متداول است (اجتهادی، ۳۷۲: ۱۳۸)،

۳. در آثار شعرای پارسی همیشه نام زنان باپوشیدگی و عفت، قرین بوده است. به‌بیان یکی دو نمونه از شاهنامه بسنده می‌کنم؛ آنجا که در وصف یکی از زنان آورده است:

نه کس موی او پیش از این دیده بود نه از مه‌تران نیز بشنیده بود
نه نیز از پس پرده آوا شنید به‌یزدان که هرگز تو را کس ندید
۴. حتما شنیده‌ای که هیچ‌گره‌ای محض رضای خداموش نمی‌گیرد ولابد خبر داری که شبکه‌های ماهواره‌ای بیشتر کشورها از مردمان برای یخش و تماشای برنامه‌ها در قالب اشتراک و ... پول می‌گیرند. چگونه همین‌ها چندصد کانال مفت و مجانی(!) برای ما راه اندازی کرده‌اند؟! چه کسانی ممکن است بانی چنین خرج‌هایی باشند؟ به سؤال های صادقانه‌ای که می‌پرسم، فقط فکر کن. پاسخش با عقل و وجدان خودت.

به‌نظر تو تماشای مدام عروسک‌های آرایش‌کرده و آزاد این روزهای کوچ‌ه‌وخیابان، اثری روی مردان متأهل ندارد؟

تا به حال به این فکر کرده‌ای که اگر زیبایی همسر یک مرد، کمتر از چهره فریبای تو باشد، ممکن است چه موجی در زندگی آن‌ها ایجاد کند؟

می‌توانی غم یک شب بی‌پدری یابی مادری فرزند طلاق را تصور کنی؟ به‌نظر تو با وجود خانواده سالم، احتمال تربیت فرزندان خوب و شاداب بیشتر است یا درحالتی که فرزندان متولدشده، پدرومادر مشخصی ندارند؟

قبول داری که در رابطه آزاد زن و مرد، تو هستی که مصرف می‌شوی و بیشتر ضرر می‌کنی؟ مثالی می‌زنم، اگر طعم یک رابطه ناموفق را چشیده باشی و روزی تصمیم به ازدواج بگیری، به‌مراتب سخت‌تر از یک مرد با موقعیت مشابه خودت، خواهی توانست ازدواج کنی. می‌دانی هنگام ازدواج، حتی بی‌فیدترین مردها دنبال نجیب‌ترین و باحیاتی‌ترین زن‌ها می‌گردند؟ قبول داری که پشت هزاران هزار تا از این دوست‌دارم‌ها، چیزی جز هوس زودگذر نیست؟

به این فکر کرده‌ای که اگر بی‌بندوباری در جامعه را شعله‌ور کنی، هم به‌امنیت خودت لطمه می‌زنی و هم امثال «الداعی، ها رافدا خواهی کرد؟

اصلا جامعه و وطن ودین و حیا همه هیچ، در صورت رفتن در کدام راه، امکان برگشت خواهی داشت؟ در کدام راه ضرر کمتری خواهی کرد؟ به قول مولایمان علی ^(ع) (برهان معقولیت یا شرط پاسکال) به‌فرض که اعتقادات ما صحیح نباشد، کدام انتخاب معقول‌تر است؟ در صورت پوشیدگی ضرری نخواهی کرد، اما اگر حق با تو نبود چه؟ کمی صبر کن. برای برداشتن حجاب و جلوه‌گری همیشه فرصت هست، اما اگر ساختمان زندگی خودت را روی بنای خانواده‌ای دیگر ساختی و آن را نابود کردی، امکان برگشت هست؟ اگر کسی به‌خاطر نرسیدن به‌تو، به‌ناکجاآباد عالم رفت، چه خواهی کرد؟

بنای پاک وطن!؛
حتما کودک‌کی زیبایت را آغوش عمه، خاله، دایی، عمو، مادر بزرگ و پدر بزرگ به‌یاد داری. می‌دانی با انتخاب بی‌حجایی، ناخواسته مشغول گرفتن لذت خانواده‌محوری از نسل بعد هستی؟

در وضعیت کشورهای دیگر سرک بکش تا آمار زندگی‌های خالی از محبت را ببینی. کارشان به‌قدری بیخ پیدا کرده که حتی وزیر تنهایی دارند!

امروز چشم مام وطن به‌توست، کمی فکر کن، به‌اندیشه‌ات اعتماد دارم.

منابع:

-دایره‌المعارف زن ایرانی

- از زبان داور خوش، کخ، هایدماری، ترجمه: رجبی، پرویز. انتشارات کارنگ، تهران،

- پاکدامنی و پوشیدگی زن در جلوه‌گاه شعر پارسی، حسن یعقوبی

عاقبت روشن برای طلای خاکستری

روایتی از تجربه موفق تصفیه آب خاکستری در دبستان شاهد طاه‌ها که قابلیت الگوبرداری در سایر مدارس مشهد را دارد

گزارش روز



زهره نگار

اسم

آب

خاکستری

و تصفیه

فاضلاب را که می‌شنوید، به یاد

چه چیزی می‌افتید؟ گلاب‌به‌رویتان،

تصویر فاضلاب سرویس بهداشتی

در ذهن‌تان نقش می‌بندد و رو ترش

می‌کنید؟ این تصور درستی نیست.

تعریف جهانی می‌گوید که همه

پساب‌های خانگی به‌جز فاضلاب

توالت، آب خاکستری هستند. این

آب امکان تصفیه و استفاده دوباره

را دارد، نه فقط در تصفیه‌خانه‌های

بزرگ شهری، بلکه در خانه‌ها،

ادارات، بازارها، مدارس و روایت

ما از تجربه موفق یکی از اندک نمونه‌های مشهدی آن

و اما راه‌های شگفت‌انگیز کاهش مصرف آب را که بخوانید،

«چقدر خوب!» و «کاش ساختمان ما هم...» خواهید

گفت. امتحان کنید.

دست‌اورد طلایی

چون آب استفاده شده در روشویی پس از دو مرحله تصفیه به‌فلاش تانک‌های هشت چشمه سرویس بهداشتی مدرسه منتقل می‌شود، نتیجه اجرای پروژه در این مدرسه زائرپذیر، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش مصرف آب بوده است که با وضعیت روبه‌و خامت ذخایر آب آشامیدنی مشهد، دست‌اوردی طلایی در مقیاس کوچک به‌حساب می‌آید.

به‌خوش مصرف بودن این مدرسه، یک نکته دیگر را هم اضافه کنید، اینکه هم‌زمان با نصب سامانه تصفیه آب خاکستری، شیرآلات مدرسه هم تعویض و از نوع کاهنده مصرف انتخاب شده که نزدیک ۷۰ درصد مصرف آب را کاهش داده است.

فنی‌وساده

را که کف سرویس بهداشتی جانمایی شده است، باز می‌کند. داخل آن یک مخزن قرار دارد. آب زلالی که از صافی شنی عبور کرده است، ابتدا به این مخزن منتقل و سپس به‌مخزن دوم که‌روی پشت‌بام است، پمپاژ می‌شود و کلر زنی داخل آن انجام می‌شود. میزان کلر لازم برای تصفیه آب روشویی‌های مدرسه، در همان دفعات نخست، بر اساس حجم آب و میزان آلودگی اندازه‌گیری شده است. هر دوماه یک‌بار یک قرص کلر داخل محفظه مربوط قرار داده‌و آب تصفیه می‌شود. بعد هم آب پاکیزه با نیروی گرانش زمین (ماجرای نیوتن و افتادن سیب از درخت را که یادتان هست) به‌فلاش تانک‌ها منتقل می‌شود. به‌همین سادگی!

هزینه‌تراش نیست

پروژه تأثیر دارد. آیا قرار است فقط برای فلاش تانک استفاده‌شود یا استفاده از آن برای آبیاری فضای سبز، شستن محوطه حیاط، پارکینگ، خودرو یا مصارفی از این دست هم مدنظر است؟

این کارشناس حوزه آب برای اینکه مظنه دستمان بیاید، به‌صورت کلی می‌گوید که قیمت روز اجرای پروژه در جایی شبیه دبستان طاه‌ها، برای مصرف در فلاش تانک‌های هشت چشمه سرویس بهداشتی در حال بهره‌برداری، بین ۳۰ تا ۳۵ میلیون تومان درمی‌آید.

جواب بستگی دارد به اینکه از وضعیت منابع آب چقدر آگاه باشیم. مثلاً آماری که بیستم فروردین منتشر شد و حکایت از این واقعیت داشت که سدهای تأمین‌کننده آب مشهد (طرق، دوستی، ارداک و کارده) ۱۵ درصد گنجایش آب

۷۰ از ۱۰۰

در نظر بگیریم، میزان تولید آب خاکستری روزانه در هر خانوار به‌طور میانگین ۴۲۰ لیتر و حجم سالانه آن ۱۵۳ مترمکعب می‌شود! این گزارش می‌گوید تصفیه و بازچرخانی آب برای مجتمع‌های مسکونی و ساختمان‌های بلند تا ۶۵ درصد کاهش مصرف آب را به‌دنبال دارد. کاهش تا ۸۰ درصدی هزینه آب در کارواش‌ها و مناسب‌بودن برای کشاورزی به‌دلیل وجود فسفات و نیترات موجود، از دیگر مزیت‌های استفاده دوباره از آب خاکستری است. خلاصه‌اش اینکه بر اساس تجارب جهانی، بازیافت آب خاکستری خانگی در محل، راهکاری درست‌و درمان برای کاهش ۲۵ تا ۴۰ درصدی مصرف آب شهر است.

چرخه معیوب

پسر بچه‌ها اطراف روحانی مدرسه طاه‌ها حلقه زده‌اند. آستین‌های لباس فرمشان را بالا زده‌اند و مهبای یادگرفتن وضو هستند. با تجهیزات کاهنده نصب‌شده روی شیرهای آب روشویی و سامانه بازچرخانی آب خاکستری در این مدرسه، خاطران آسوده است که تعلل ناخواسته کودکان در بستن شیر آب، به آن معنا اتلافی به‌همراه ندارد. آقای مدیر می‌گوید هرکس می‌آید و مدرسه طاه‌ها و سامانه رامی‌بیند، زبان به تشویق باز می‌کند و دلش می‌خواهد نمونه‌اش را اجرا کند.

چرا با وجود این علاقه‌مندی، اتفاق‌هایی که باید در تصفیه آب خاکستری نمی‌افتد؟ بازوی مطالعاتی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به‌درستی روی این واقعیت دست‌گذاشته است که نه قوانین الزام‌آور است و نه زیرساخت‌های لازم شهری و اجتماعی مهیا است. در نتیجه این آب‌ها از چرخه مصرف خارج می‌شوند و هزینه‌های جمع‌آوری و دفع فاضلاب در سیستم‌های شهری را بالا می‌برند. هرچه بیشتر در نکات یادشده عمیق می‌شویم و با کارشناسان گفت‌وگو می‌کنیم، به‌درستی آن بیشتر آگاه می‌شویم، مثلاً وقتی که از محمود محتشمی، مدیر روابط عمومی



عکس: سعید گلی‌اشهرآزاد

این هزینه به‌صرفه جویی آب می‌ارزد؟

دارند. از طرفی، روی برداشت آب از چاه‌ها هم نمی‌شود حساب ویژه باز کرد، چون وضعیت دشت مشهد فوق بحرانی و خطر فرونشست آن به علت برداشت بی‌رویه آب از منابع زیرزمینی جدی است.

تصفیه آب خاکستری تجربه تازه‌ای نیست. کشورهایی که ارزش آب را زودتر از ما متوجه شده‌اند، سراغ آن رفته‌اند. نمونه نزدیکش، اردن و امارات و نمونه‌های دورتر، آلمان و آمریکا هستند. بر اساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی و آموزش شهری و روستایی وابسته به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، هر فرد در شبانه‌روز هشتاد تا دویست لیتر فاضلاب تولید می‌کند. عدد دقیقش به‌فرهنگ مصرف آب، سطح بهداشت اجتماعی، وضعیت اقلیمی و ... بستگی دارد. حدود ۷۰ درصد از این فاضلاب را آب خاکستری تشکیل می‌دهد. اگر تعداد اعضای خانواده را به‌طور میانگین سه نفر



عکس: علی‌دلک آبادی

اتفاقی که افتاده بود، بال درمی‌آورد! باذوق می‌گفت: ماما! ما شهید را دیدیم! از پنجره کلاس‌مان. مردم هنوز نیامده بودند که نشستیم پشت پنجره. طول کشید تا همه مردم جمع شدند. ما کلی وقت داشتیم برای اینکه شهید راتماشا کنیم! حالمان یک‌جوری بود که نمی‌دانستیم باید گریه کنیم یا خوش‌حال باشیم. دخترم می‌گفت و من حیرت زده گوش می‌دادم. دردلم شروع کردم به تشکر از شهید که حاضر و ناظر است، از اینکه دل من مادر را شکست. دید که من نمی‌توانم با دخترم به مراسم بدرقه‌اش بیایم، خودش از جلو مدرسه فاطمه (دبستان یاران معرفت) رد شد و اجازه داد که او و هم‌کلاسی‌هایش یک دل سیر تابوتش را تماشا کنند.

دخترم نمک‌گیر عنایت شهید شده بود. کنج‌کاو بود که چرا مردم برای پیکر خوابیده در تابوت، این همه گریه می‌کردند. بعد از کلی اصرار، ماجرا را که فهمید، قطره‌های اشک از چشم‌هایش جوشیدن گرفت. حالا دیگر مطمئنم که نام، حمیدرضا الداعی، در ذهن فرزندم ثبت شده است، درست مثل یک خاطره خوش و به‌یادماندنی.

راوی: الهام کرابی‌مادر دانش‌آموز فاطمه محمدزاده

تنظیم: شهاب‌مت



قصه یک عکس

گاهی داشتن بعضی فرصت‌ها برای آدم حسرت می‌شود، فرصت‌هایی که خیلی‌ها شاید داشته باشند و قدردش را ندانند. آن روز دلم می‌خواست یک مادر کم‌مشغله باشم. دلم می‌خواست بچه‌های کوچکم بزرگ شوند. آن وقت با آسودگی دست دخترکم رامی‌گرفتم و به مراسم می‌رفتم. در دل فاطمه، همین آرزو بود یا نه، نمی‌دانم. فقط می‌دانم که بهانه‌گیر نیست. مثلاً روز قبلش که رفته بود اردو، قول دادم لباس‌های خاکی‌اش را آخر شب بپندازم داخل ماشین لباس‌شویی و بپنداختم. صبح که بیدار شدم، دیدم دارد بادستمال نم‌دار، لکه‌های خاکی روی مانتویش را تمیز می‌کند، بدون اخم و نق. راستش از خجالت این بدقولی، آب شدم. از ته دل گفتم: الهی عاقبت به‌خیر شوی مادر! از حسرت مانده روی دلم می‌گفتم، از اینکه دلم می‌خواست آن روز مثل خیلی از مادرها دست فاطمه را بگیرم و برویم تشییع پیکر شهید، همان که خوش‌غیرت بود و مدافع ناموس، نشد دیگر. فراموش کردم حسرت‌م را، چاره‌ای نبود. ظهر که فاطمه آمد خانه، داشت از خوش‌حالی

افکار‌ت را به اشتراک بگذار

تا آینده را ترسیم کنیم

۳۰۰۰۷۲۸۹

۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

راه‌های ارتباطی

